

A Study of the Social Aspects of Humor in Iranian Cinema After the Revolution

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Ardalan Malekzadeh¹

Mohammad Shahba^{2*}

Masoud Soflaei³

How to cite this article

Ardalan Malekzadeh, Mohammad Shahba, Masoud Soflaei, A Study of the Social Aspects of Humor in Iranian Cinema after the Revolution, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2020;4(1):236-242.

1. Department of Cinema and Theater, University of Arts, Tehran, Iran.

2. Faculty member, Department of Cinema and Theater, University of Arts, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Faculty member, Department of Cinema and Theater, University of Arts, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: shahba@gmail.com

Article History

Received: 2020/03/30

Accepted: 2020/06/08

ePublished: 2020/06/20

ABSTRACT

Comic cinema has a long history in Iran and its birth coincides with the production of this medium. The films "Abi and Rabi" and "Haji Agha Actor Cinema" are examples of this claim. Films from the beginning of the history of Iranian cinema can be seen in the narrative and attitude of the filmmaker. But the flow of humor in Iranian cinema took a different form with the revolution and structural and content changes in cinema. With the arrival of social issues of the day and the expression of these issues in this popular genre and the failure of some red lines in these films, the form and payment of humor in cinematic films took on a different color and smell. Provided both to connect with a wider audience and, through that connection, to flourish the economy of the media, which seemed necessary. Available in comedy. This kind of motivation is often the purpose of comedies that embody the impossible action, which should be thought of more as a metaphorical presentation of human action than a literary presentation. Comedy was one of the first cinematic genres to be formed and to continue well. In fact, the early filmmakers of cinema, after presenting documentaries and real films of people's lives in their early experiences, went to make people laugh in later experiences, because on the one hand, funny plays were very popular among the people, and secondly, People were looking for theater actors to act in their films. From the second half of 1978 to early 1981, no comedy films were made in Iran. For more than three years, no penetrating signs of laughter and humor were seen in Iranian films. Cinematographers, among whom were less old-fashioned and professional, thought that in the current atmosphere, the funny film would not be successful and would have to look at up-to-date political concepts - for which it is not clear why it was so dry. , Went.

Keywords: Iranian Cinema, Post-Revolutionary Cinema, Comedy Cinema, Social Aspects.

اردلان ملک زاده^۱

گروه سینما و تئاتر، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

محمد شهباز^{۲*}

عضو هیات علمی، گروه سینما و تئاتر، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مسعود سفلیایی^۳

عضو هیات علمی، گروه سینما و تئاتر، دانشگاه هنر، تهران، ایران

مقدمه

طنز واژه‌ای عربی است و در واژه به معنای مسخره کردن، طعنه زدن، عیب کردن، سخن به رموز گفتن و به استهزاء، از کسب سخن گفتن است. معادل انگلیسی طنز Satire است، که از Satira در لاتین گرفته شده که از ریشه Satyros یونانی است. Satira نام ظرفی پراز میوه‌های متنوع بود که به یکی از خدایان کشاورزی هدیه داده شده بود و در معنای لغوی به معنای غذای کامل یا آمیخته‌ای از هر چیز بود.

در تعریف طنز آمده است: اثری ادبی که با استفاده از بذله، وارونه سازی، خشم و نقیضه، ضعف‌ها و تعلیمات اجتماعی جوامع بشری را به نقد می‌کشد. دکتر جانسون طنز را این گونه معنی می‌کند: «شعری که در آن شرارت و حماقت سانسور شده باشد» (۱) به کار بردن کلمه‌ی طنز برای انتقادی که به صورت خنده آور و مضحک بیان شود در فارسی معاصر سابقه زیاد طولانی ندارد. هر چند که طنز در تاریخ بیهقی و دیگر آثار قدیم زبان فارسی به کار رفته، ولی کاربرد وسیعی به معنای Satira اروپایی نداشته است. در فارسی، عربی و ترکی کلمه واحدی که دقیقاً این معنی را در هر سه زبان برساند وجود نداشته است. سابقاً در فارسی هجو به کار می‌رفت که بیشتر جنبه انتقاد مستقیم و شخصی دارد و جنبه غیر مستقیم ساتیر را ندارد و اغلب آموزنده و اجتماعی هم نیست. در فارسی هزل را نیز به کار برده‌اند که ضد جد است و بیشتر جنبه مزاح و مطایبه دارد (۲).

طنز تفکر برانگیز است و ماهیتی پیچیده و چند لایه دارد. گرچه طبیعتش برخنده استوار است، اما خنده را تنها وسیله‌ای می‌انگارد برای نیل به هدفی برتر و آگاه کردن انسان به عمق رذالت‌ها. گرچه در ظاهر می‌خنداند، اما در پس این خنده واقعیتی تلخ و وحشتناک وجود دارد که در عمق وجود، خنده را می‌خشکاند و انسان را به تفکر وا می‌دارد. به همین خاطر درباره طنز گفته‌اند: «طنز یعنی گریه کردن قه‌قه‌ای، طنز یعنی خنده کردن آه‌آه» (۳)

طنز اگرچه از حیث مضمون با نقد جدی پهلو به پهلو می‌زند، اما از حیث شیوه‌ی بیانی بیش‌تر با فکاهه همخوانی دارد. در طنز به مصداق: چو وحق تلخ است با شیرین زبانی/ حکایت‌سرکنمان سان که دانی، صریح‌ترین و تلخ‌ترین انتقادات در ظاهری خنده دار عرضه می‌شود. شاید یکی از دلایلی که سبب شده است، بیش‌تر مردم طنز شوخی را همخوان و همسان‌نهندارند، تشابه ظاهری نتیجه‌ی نهایی طنز و شوخی باشد، زیرا هر دوی این گونه‌های ادبی به انبساط خاطر مردم می‌انجامد و خنده آور هستند. اما کیست که نداند فرهنگ خنده‌آور مردمی، خالق دنیای بی‌پایان شکل‌ها و جلوه‌های ناهمگون خنده بوده و خواهد بود. به گفته‌ی باختمین: خنده همیشه سلاح آزادی در دست مردم بوده است. خنده، انسان را از ترس از مقدسات، ممنوعیت‌های استبدادی، گذشته و قدرت که در طول هزاران سال در ذهن جای گرفته‌اند، می‌رهاند. برخلاف خنده، لحن جدی و رسمی، سرکوب‌گر، ارباب‌گر و اسارت‌آور بوده و به تهدید و نیرنگ دست می‌زده

چکیده

سینما طنز در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و به نوعی تولد آن با تولید این رسانه هم‌زمان است. فیلم‌های «آبی و رابی» و «حاجی آقا اکتور سینما» نمونه‌هایی از این مدعا هستند. فیلم‌های ابتدای تاریخ سینمای ایران رگه‌های طنز را در روایت و برخورد فیلمساز می‌توان دید. اما جریان طنز در سینمای ایران با انقلاب و تحولات ساختاری و محتوایی در سینما شکل دیگری پیدا کرد. با ورود مسائل اجتماعی روز و بیان این مسائل در این گونه‌ی پرترفدار و شکست برخی از خطوط قرمز در این فیلم‌ها شکل و پرداخت طنز در فیلم‌های سینمایی رنگ و بویی دیگر پیدا کرد. امکان بیان مسائل مهم و جدی اجتماعی در فیلم‌های طنز فرصتی را برای فیلمساز فراهم کرد تا هم با مخاطب بیشتری ارتباط بگیرند و هم به واسطه این ارتباط اقتصاد این رسانه را که ضروری به نظر می‌رسید شکوفا کند. کم‌دی سینمایی فکری جدی را در خصوص فضایل انسانی منتقل می‌کند برانگیختن تماشاگر است به بازاندیشی در مورد کنایه‌ها، ابهام‌ها، و تناقضاتی که در کم‌دی عرضه می‌شود. این نوع انگیزش غرض اغلب کم‌دی‌هایی است که کنش غیر ممکن را که باید بیشتر به عنوان عرضه‌ای استعاری از کنش انسانی فرض شود تا عرضه‌ای ادبی، تجسم می‌بخشد. فیلم کم‌دی جزء اولین گونه‌های سینمایی بود که شکل گرفت و به خوبی تداوم پیدا کرد. در واقع فیلم سازان اولیه سینما، بعد از آنکه در تجربه‌های اولیه شان، فیلم‌های مستند و واقعی از زندگی مردم ارائه دادند، در تجربه‌های بعدی به سراغ خندانند مردم رفتند، زیرا از طرفی نمایش‌های خنده دار در بین مردم بسیار پرترفدار بود و ثانیاً، مردم به دنبال بازیگران تئاتر می‌رفتند تا در فیلم‌هایشان بازی کنند. از نیمه دوم سال ۱۳۵۷ تا اوایل سال ۱۳۶۰ فیلم کم‌دی در ایران ساخته نشد. بیش از سه سال هیچ نشان نافذی از خنده و رگه طنز در فیلم‌های ایرانی به دیده نیامد. طی این مدت عده‌ای از دست اندرکاران سینما که در میانشان کم‌تر قدیمی‌ها و حرفه‌ای‌ها دیده می‌شدند بر این تصور بودند که در فضای موجود، فیلم خنده دار با اقبال روبه‌رو نمی‌شود و می‌بایست به سراغ مفاهیم سیاسی باب روز- که معلوم نیست به چه دلیل تصور خشکی از آن وجود داشت، رفت.

واژه‌های کلیدی: سینمای ایران، سینمای پس از انقلاب، سینمای طنز، جنبه‌های اجتماعی.

وعبوس بوده است. البته نیشخند برآمده از طنز، لحن جدی را نفی نمی‌کند، بلکه آن را پالوده و کامل می‌سازد و آن را از یک جانبگی، جمود، تعصب و ورزی، خشک‌اندیشی، ترس، پندآموزی، ساده‌اندیشی، اوهام و از خشکی ابلهانه می‌پالاید. نیشخند، جدیت را از انجماد و جداسدن از کلیت تمام نشده‌ی زنده‌ی پروزمره باز می‌دارد. ارسطو بر این باور بود که: از میان موجودات زنده، انسان یگانه موجودی است که می‌تواند بخندد. به عبارت دیگر به باور ارسطو خنده، برترین امتیاز معنوی انسان و دور از دسترس دیگر آفریده‌ها است. کی‌یرکه گور می‌گوید: تا جوان بودم، از خنده غافل بودم، بعدها که چشمانم بازتر شد و حقیقت را دیدم ... به خنده افتادم ... و هنوز هم چنان می‌خندم. اگر کی‌یرکه گو در تجربه‌های شخصی خود بر پیوند حقیقت و خنده انگشت می‌نهد، مولوی از نقش عشق آموخت مرا، شکل دگر خندیدن / به صدف مانم، خندم چو مرا در شکنند / کارخامان بود از فتح و ظفر خندیدن (۴).

دردوران رنسانس رابله، سروانتس و لویجی پولچیاژ طنزپردازان مشهور هستند. آثار طنز ابتدا به صورت شعر بود و بعدها شیوه‌های روایی را هم دربرگرفت. امروزه در ادبیات جهان، مشهورترین طنز نویسندگان، نثرنویسانی چون سروانتس، رابله، ولز، جوناتان سوئیفت، هنری فیلدینگ، جوزف ادیسون، ویلیام تکر هستند (۵).

طنز، هنری است که عدم تناسب در عرصه‌های مختلف اجتماعی را که در ظاهر متناسب به نظر می‌رسند، نشان می‌دهد و این خود مایه‌ی خنده می‌شود. هنر طنزپرداز، کشف و بیان هنرمندانه و زیبایی شناختی عدم تناسب در این «متناسبات» است. طنز یکی از گونه‌های ادبی و هنری تفکر انتقادی است. طنز سرشتی انتقادی دارد و به گفته‌ی چرنیشفسکی (۲) طنز، آخرین مرحله‌ی تکامل نقد است. طنز، تصویر هنری جمع تناقض‌ها و تضادهای درونی و بیرونی انسان و جامعه در لحظه و تاریخی واحد، با بیان ولحنی نیشخندآفرین است. طنزپرداز نیک می‌داند که جمع تناقض‌ها و تضادها در آن واحد در منطق صوری امری محال است؛ اما قلمرو طنزپرداز زندگی اجتماعی است، قلمرویی که هرآن واحد آن، جمع تناقض‌ها و تضادهای درونی و بیرونی است. برخی از صاحب‌نظران به وجود سه گونه طنز لفظی، نمایشی و موقعیت طنزآمیز در دوره معاصر اشاره کرده‌اند. برخی نیز انواع طنز را در دسته‌های طنز اجتماعی، ژورنالیستی، سیاسی، فلسفی، طنز مبتنی بر فرهنگ مردم، طنز روانکاوانه و طنز سیاه تعریف کرده‌اند. اشکال اصلی این نوع تقسیم‌بندی، بی‌توجهی به منظرهای طبقه‌بندی است. زیرا با این تقسیم‌بندی نمی‌توان طنز ژورنالیستی را از طنز اجتماعی بازشناخت و یا تفاوت‌های طنز اجتماعی و طنز سیاه به درستی معلوم نیست. پس بی‌راه نیست اگر بگوییم، بهترین تقسیم‌بندی برای طنز، تقسیم‌بندی آن از منظرهای مختلف است. زیرا طنز را می‌توان با توجه به موضوع، قالب، نحوه بیان و شیوه ارائه مضمون و درونمایه و هدف طبقه‌بندی کرد. همچنین طنز می‌تواند با توجه به سن مخاطبان نیز تقسیم‌بندی شود (۶).

طنز را می‌توان به شش نوع زیر تقسیم کرد:

۱. طنز اجتماعی
۲. طنز سیاسی
۳. طنز تاریخی

۴. طنز مذهبی و عارفانه

۵. طنز فلسفی

۶. طنز تالیفی چون طنز سیاسی - اجتماعی و ...

طنز را می‌توان از منظر قالب زبانی و طنز تصویری تقسیم کرد. طنز زبانی خود به دو دسته ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مثنوی و گاه غزل سود جسته‌اند و طنز در قالب نثر نیز از داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه، فیلمنامه، کاریکاتور و مسافرت خیالی، داستان حیوانات، تمثیل، کلمات قصار و کم‌تر و حکایات بهره گرفته است (۷).

طنز از نظر شیوه عرضه نیز به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱. طنز نوشتاری

۲. طنز شنیداری

۳. طنز دیداری (مثل پانتومیم)

۴. طنز تصویری

۵. طنز دیداری و شنیداری (۸).

انواع آثار ادبی که طنز نویس می‌تواند به کار ببرد فوق‌العاده زیاد است، رمان، نمایش‌نامه، شعر و ... اما شیوه‌ها یا تکنیک‌هایی که در آن به کار می‌رود محدود است.

بعضی معتقدند که در طنز نیازی به درس اخلاقی یا تعلیم و تربیت نیست. زیرا جوهره طنز انتقاد است، اما انتقادی که بر مقایسه خوب و بد مبتنی است. در طنز، پدیده‌ها به دلیل نداشتن بعضی استانداردها مورد انتقاد قرار می‌گیرد. در واقع، هدف اصلاح، جز لاینفک طنز است که از طریق انتقاد ابراز می‌شود و شرایطی را که به نظر طنزپرداز باید اصلاح شود را مورد تمسخر یا حمله قرار می‌دهد. طنز بدون هدف اصلاح معنایی ندارد. بنابراین طنز باید بر اساس هدف اصلاحی و شیوه ادبی‌اش تعریف شود. پس یکی از تعاریف منطقی طنز می‌تواند این باشد: طنز سبک ادبی است که عقیده انتقادی را با شوخی و بذله‌گویی ترکیب می‌کند و از این راه می‌کوشد تا از طریق خنده اصلاحاتی را ایجاد کند (۹).

بنابراین هدف و آرزوی عملی طنزپرداز این است که حتی اگر نتواند این وضعیت را تغییر دهد، حداقل طعنه‌های او تا حدی برانگیزنده باشد که جرم را متوقف یا کم کند. سوئیفت در عذرخواهی که در پیشگفتار داستان یک وان در سال ۱۷۱۰ چاپ شد در مورد هدف و شیوه طنز مفید و مفرح می‌گوید: چرا باید روحانیون کلیسا از بیان طنز آمیز حماقت‌های متعصبان و خرافه پرستان عصبانی شوند؟ این شیوه احتمالاً بهترین راه برای رفع نواقص یا حداقل جلوگیری از گسترش آنها است (۱۰).

سینمای کمدی (Comedy)

فیلم کمدی جزء اولین گونه‌های سینمایی بود که شکل گرفت و به خوبی تداوم پیدا کرد. در واقع فیلم سازان اولیه سینما، بعد از آنکه در تجربه‌های اولیه شان، فیلم‌های مستند و واقعی از زندگی مردم ارائه دادند، در تجربه‌های بعدی به سراغ خندانیدن مردم رفتند، زیرا از طرفی نمایش‌های خنده دار در بین مردم بسیار پر طرفدار بود و ثانیاً، از آنجا که آنها به دنبال بازیگران تئاتر می‌رفتند تا در فیلم‌هایشان بازی کنند، کمدین و شخصیت‌های خنده دار بین آنها بسیار بود. بسیاری از آنها از فیزیک مناسبی برخوردار نبودند، برای مثال بسیار چاق بودند و یا بسیار کوتاه و یا ... و همین ویژگی‌ها

اثر، نمی تواند به تنهایی موجب موفقیت سینمای کمدی و کودک نوجوان باشد (۱۵).

از هر منظری که به سینمای کمدی ایران نگاه می کنیم، کمبود در آن مشاهده می شود. نبود فیلمنامه قوی و مدون و متکی به قصه، با موضوعات مختلف اجتماعی و گیرا، یک سر این بی سر و سامانیست که نبود افراد نابلد در این حرفه، مشکلات این ژانر را به کمال رسانده است. محدود شدن به ۱۰ تا ۱۵ بازیگر کمدی در سینما دلیل دیگر این بی سر و سامانی است. بازیگرانی که همواره یک واکنش خاص دارند و یک نقش را در چند فیلم بازی می کنند با جملات تکراری اغلب شوخی های غیر مؤدبانه و هجو.

«پاپوش»، «بلوف»، «در شب عروسی»، «داماد خجالتی» و «سه درجه تب»، «اسپاکی در هشت دقیقه» و بسیاری از آثار دیگر مؤید صحت های گفته شده است و می توان با صراحت گفت که این شاخه، بعد از گذشت حدود سی سال از عمر خود البته بعد از انقلاب، هنوز در کودکی خود مانده است و رشد محسوسی نداشته است. البته باید به موفقیت آثاری همچون «صورتی» اثر فریدون جیرانی؛ «پسر آدم، دختر حوا» و «ورود آقایان ممنوع» به کارگردانی رامبد جوان اعتراف کرد که هم در بحث فیلمنامه موفق بوده اند و هم در انتخاب بازیگر و ساختار شکنی در این ژانر (۱۶). با پیروزی انقلاب وزارت فرهنگ و هنر در وزارت علوم ادغام شد. در روز نخست دستور بازگشایی سینماهای صادر شد و بسیاری از آثار انقلابی یا حتی استعماری به نمایش درآمد. دفتر کمپانی های خارجی در اول سال ۱۳۸۵ تعطیل شد. در جلسه مشترک شورای تهیه کنندگان، وارد کنندگان، سینماداران و هنرمندان در تیر ماه ۱۳۸۵، تصمیم بر این گرفته شد که از ورود هر نوع فیلم خارجی جلوگیری شود. سپس پروانه نمایش فیلم های ایرانی که از سال ۵۸ تا ۵۹ مجوز گرفته بودند لغو شد (۱۷).

بعد از انقلاب ممیزی نیز ویژگی های تازه ای یافت. در سال های نخست پس از انقلاب در جریان های تنش های حاد سیاسی، سینما تولید فیلم تحت تأثیر بی ثباتی سیاسی، تغییر مداوم مسئولان و نوسان. به نازل ترین حد خود از لحاظ کمی و کیفی رسید معیارهای ممیزی و در نتیجه عدم امنیت در سرمایه گذاری، ورود فیلم های خارجی رونق یافته بود.

در این بین، تعدادی از تولیدکنندگان فیلم های ایرانی تلاش کردند تولید فیلم را بار دیگر به جریان اندازند. به گونه ای که با آرمان های اسلامی نیز انطباق داشته باشد. فیلم های بزرخی ها، فریاد مجاهد، سرباز اسلام و... حاصل این تلاشند (۱۸).

بعد از سال ۱۳۶۰ مجموعه امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و صنفی سینما تحت نظارت دولت قرار گرفت و تأثیر مثبت آن با محدودیت ورود فیلم های خارجی، حذف عوارض سنگین از فیلم های داخلی، نظم بخشیدن به ارتباط میان صاحبان سینما و صاحبان فیلم، پرداخت وام بانکی به تهیه کنندگان و بسیاری موارد دیگر خود را نشان داد. اصلاحات انجام شده متأثر از اراده علم سینماگران ایرانی بود. اما این سیاست سینمایی تبلیغات منفی نیز در پی داشت که بخشی از آن در بحث ممیزی قابل توجه می باشد.

بود که آنها را به سمت اجرای نمایش های کمدی و بعدا فیلم های کمدی کشاند. در واقع این شخصیت ها، کمدین های روی صحنه بودند و حال می خواستند کمدین های عرصه سینما باشند. به این ترتیب، فیلم های کمدی اولیه، بر اساس بازیگرانشان شکل می گرفتند و آنها بودند که به فیلم هایشان هویت می بخشیدند، این روشی است که بسیاری از فیلم های کمدی بر اساس آن ساخته شده اند، اینکه بازیگرانی تنها در کار کمدی هستند و نام مشخصی دارند که در تمام فیلم هایشان آن را حفظ می کنند و در واقع فیلم هایشان بیش از آنکه نام خود را داشته باشند، بر اساس نام کمدینشان شناخته شده هستند. (۱۱)

کمدی در ایران

کمدی سینمایی دو خواستگاه دارد: ادبیات طنز و نمایش های کمدی. در ایران ادبیات طنز قدمتی طولانی دارد. آن زمان که سینما در ایران وارد شد، در کنار آثار اجتماعی و درام، فیلم های طنز در خور توجهی نیز ساخته شد، زمانی در سینمای ایران، مردم برای دیدن میری، ظهوری و وحدت به سینماها می رفتند و به خوبی از این شاخه سینما استقبال می کردند (۱۲).

سینماهای طنز ایران در آن زمان، آن گونه تعریف شده بود اما انقلاب در ایران سلیقه ای جدید برای مردم تعریف کرد، با توجه به مشکلات نظیر جنگ، مشکلات اقتصادی، تغییر شرایط اجتماعی و سبک زندگی مردم، در سینمای کمدی ایران نیز انقلاب ایجاد شد. شاید سرآمد فیلم های ژانر طنز در ابتدای انقلاب، فیلم «اجاره نشین ها» اثر داریوش مهرجویی بود. استقبال بی نظیر مردم، از این طنز معنا گرا که مشکلات آن روز جامعه را به تصویر کشید، خود گویای این تغییرات است. «اجاره نشین ها» نشان داد که معضلات اجتماعی در قالب طنز و البته به مقام سوژه می تواند مردم را به خنده سوق دهد و آن ها را به فهم عمیق مطالب نزدیک کند (۱۳). اگر در سینمای طنز بعد از انقلاب، فیلم های نظیر «اجاره نشین ها» را مبدأ و شروع طنز اجتماعی قرار دهیم، سینمای طنز شاخه ای مستقل در سینما شد.

در سال های بعد، طنز در سینمای دفاع مقدس نیز نفوذ کرد. فیلم «لیلی با من است» کمال تبریزی، اولین فیلم دفاع مقدسی بود که با طنز آمیخته شده بود.

ارتباط بسیار خوب مردم با این فیلم و فتح گیشه باعث شد که «لیلی با من است» از آثار شاخص این ژانر جذاب باشد، اما بعدها این تلفیق میان سینمای دفاع مقدس و ژانر طنز، نتیجه خوبی نداشت. «اخراجی ها» دو و سه، مصداق بارز این صحبت هاست (۱۴).

از سوی دیگر، بسیاری از فیلمسازها نتوانستند مفهوم طنز و سینمای کودک و نوجوان را درک کنند و تعریف درستی از آن داشته باشند «آرزوهای بزرگ»، «الو الو من جو جوام» و «دزد عروسک ها» از این دست کارهاست. شاید ورود ناگهانی «کلاه قرمزی و پسر خاله» کمی از دردهای این ژانر را تسکین دهد. آمار فروش فوق العاده و حضور افراد بالغ در کنار خردسالان در سینما برای دیدن این فیلم، نکته شاخص این اثر متفاوت سینماهای ایران بود، اما هیچ گاه تک

سینمای دفاع مقدس از پرمخاطب ترین ژانرهای سینمایی بعد از انقلاب بوده است که عملاً، از زمان شروع جنگ تحمیلی آغاز گردیده و در طول سه دهه گذشته فراز و نشیبهای متعددی راسبری نموده است. سینمای دفاع مقدس، تا سالهای ۶۲ و ۶۳ عموماً بهانه‌ای بود برای پرداختن به مسائل انقلاب و حوادث سالهای ۵۷ و پیش از آن، در واقع مسائلی مانند "ساواک، فساد دولتی، مبارزه‌های فردی و جمعی، اعدام و پخش اعلامیه‌های آزادیخواهانه" و مواردی از این دست، به بهانه موضوع جنگ تحمیلی در این فیلم‌ها مطرح می‌شدند. فیلم‌هایی مثل کیلومتر پنج، بازداشتگاه، پل آزادی و رهایی که در سال ۶۲ ساخته شده‌اند به مثابه نمونه‌هایی از سینمای جنگ است (۲۲).

۵- فساد مالی

یکی از بحران‌هایی که سینما کمتر به شمش رفته است فساد مالی است البته در هر دهه نگاه به این موضوع فرق می‌کند اما در سال‌های اخیر با توجه به اتفاقات و اختلاس‌هایی که انجام شده کمی این معضل پررنگ‌تر شده است، به عنوان مثال فیلم خط ویژه و همچنین فیلم بارکد که هر دو ساخته مصطفی کیایی هستند به این موضوع پرداخته است.

۶- سیاسی

در عرصه سیاست ساخت فیلم کم‌دی بسیار دشوار است چون فیلمساز با ممیزی‌ها و توقیف و اکران نشدن فیلم مواجه می‌شود و یا بعد از اکران با اتفاقاتی چون پاره کردن بیلورد تبلیغاتی فیلم، راه پیمایی برای توقیف فیلم و بیانیه‌های مختلف برای جلوگیری از اکران فیلمدر جامعه شکل می‌گیرد.

یکی از جدی ترین فیلم‌های سیاسی می‌توان فیلم مارمولک ساخته کمال تبریزی را نام برد که در آن زمان با مشکلات و سانسورهای مواجه شد و بلاخره موفق به اکران شد و تحولی در سینمای سیاسی جامعه شکل داد.

نتیجه گیری

یک کم‌دی اثرگذار نیاز به یک ساختار و قصه محکم دارد. اصل کار موقعیت و طنز موقعیت است. دیالوگ خنده‌دار از درون موقعیت خنده‌دار بیرون می‌آید. مهم‌ترین مسأله این است که ساختار قصه محکم باشد و فیلم‌ساز بداند هر کدام از شخصیت‌های قصه از کجا آمده‌اند؟ چرا آنجا هستند؟ چرا یکسری کارها را انجام می‌دهند و یکسری کارها را انجام نمی‌دهند؟ و در نهایت چطور این‌ها در کنار هم چیده می‌شوند؟ تمام پتانسیل کم‌دی که تاثیرگذارترین ابزار برای بیان تلخ‌ترین و جدی‌ترین حقایق است. سانسور به عنوان اصلی‌ترین سد برای فیلم طنز مطرح می‌شود. اگر فیلمساز بخواهد از سانسور جلوگیری کند و قلم انتقاد نگیرد و بخواهد کم‌دی بسازد فیلم‌هایش به سمت لودگی رفت؛ و هر کجا فیلمساز کم‌دی عزمش را جزم کرد تا برای معضلات و مسائل جدی از کم‌دی مدد بگیرد با درهای آهنین و بسته مواجه شد و فیلم‌ها سانسور یا سکانس‌ها حذف می‌شود.

فیلمسازان به دلیل عدم توانایی در پروراندن ایده‌های خام به بیراهه می‌روند. ما در ساختن "جوک" مهارت داریم. اما برای تبدیل این ایده‌های خام به فیلم‌نامه و داستان بلند با مشکل مواجه می‌شویم.

بتدریج از سال ۱۳۶۴ با ایجاد رابطه مناسب‌تر میان سیاست‌گذاران و سینماگران، آثاری خلق شد که توانست نظر منتقدان و روشنفکران را نیز بخود جلب نماید و با اقبال عمومی نیز مواجه شد و در عین حال سینمای ایران را در سطح جشنواره‌های جهانی مطرح کند (۱۹). سینما ایران بعد از انقلاب اسلامی:

در این دوران هنوز تردیدهایی در زمینه ساخت فیلم‌های کم‌دی وجود داشت و کارگردانان و تهیه‌کنندگان نگران آن بودند که تا چه میزان مجاز به وارد کردن عناصر شاد در فیلم هستند.

به این ترتیب، ممنوعیت‌ها کم‌رنگ‌تر شد؛ اما هنوز فیلم‌سازان قادر به انتخاب مایه‌های مورد علاقه‌شان نبودند. فیلم‌های توهّم (سعید حاجی‌میری)، زنگ‌ها (محمد رضا هنرمند)، کفش‌های میرزا نوروز (محمد متوسلانی)، مردی که موش شد (احمد بخشی)، اتوبوس (یدالله صمدی) و مدرک جرم (منوچهر حقانی پرست) و فیلم کوتاه برنده کیه (محمدحسن آفریده) در چهارمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمدند.

فیلم‌های طنز اجتماعی

در جهان مشکلات و معضلات باعث پیدایش ساب ژانرهای زیادی در ژانر کم‌دی شده است. در ایران هم این معضلات باعث به وجود آمدن بستری برای فیلمسازی و سوژه برای فیلم نامه فراهم می‌شود. این مشکلات و معضلات عبارتند از:

- ۱- بحران بیکاری
- ۲- بحران مسکن
- ۳- اعتیاد
- ۴- جنگ
- ۵- فساد مالی
- ۶- سیاسی.
- ۱- بحران بیکاری

فیلم‌هایی مانند بعد از ظهر سگی سگی و چند میگری گریه کنی نمونه‌ای از این بحران هستند که در سال و دهه‌های مختلف ساخته شده‌اند که به این معضل می‌پردازند (۲۰).

۲- بحران مسکن

در رابطه با بحران مسکن فیلم‌ها و سریال‌های مختلفی ساخته شده است مانند فیلم آپارتمان شماره ۱۳، مهریه بی بی. تاثیرگذارترین و ماندگارترین آنها فیلم اجاره نشین‌ها ساخته داریوش مهرجویی است که در زمان اکرانش غوغایی برپا کرد. برخی نسبت به این فیلم به گونه‌ای واکنش نشان می‌دادند که گویی جنابیتی جنگی اتفاق افتاده است. کوبیدن فیلمی همچون "اجاره نشین‌ها" سکه‌ی رایج آن زمان شده بود. فضای منفی که علیه فیلم ایجاد شده بود فقط از سوی مسئولین سینمایی وقت نبود بلکه فیلمسازی همچون محسن مخملباف به گفته‌ی خودش قصد داشته که نارنجک بر کمر بیند و مهرجویی را در آغوش بگیرد تا هر دو با هم از این دنیا بروند (۲۱).

۳- بحران اعتیاد

یکی از بحران‌های جدی در جامعه بحران اعتیاد هست که همه گیر شده است. در رابطه با اعتیاد فیلم‌های زیادی در ژانرهای مختلف ساخته شده است که فیلم‌هایی مانند دراکولا، همه چی آرومه و معتادی اجباری در ژانر کم‌دی است. ۴- جنگ

اولویت قرار دارد و این موضوع چندان دور از انتظار نیست، چرا که در همه نقاط جهان سینما در بین عموم بیش از هر چیز به چشم وسیله‌ای برای سرگرمی نگاه می‌شود، خانواده‌ها برای تفریح و آخر هفته سینما بروند، دورهم باشند و چیس بخورند و فیلم ببینند و تیکه بی اندازند و دست و سوت بزنند و بخندند و خوش بگذرانند. کمدی یک ژانر پرطرفدار است. استقبال مردم از آن طبیعی است حتی اگر فیلم‌های خوبی نباشند.

References

1. Javadi, Hassan: History of Humor in Persian Literature, First Edition, Caravan Publications, Tehran, 2005
2. Aslani, Mohammad Reza: Dictionary of Comedy Vocabulary and Terms, First Edition, Caravan Publications, Tehran, 2006
3. Issa Nejad, Ahmad: Why don't people welcome humor and comedy? This is humor at any cost in Iranian and Tehran cinema, Markaz Publications, Tehran, 2007
4. Akbarloo, Manouchehr: Characterization in Iranian Comedy Cinema, Thesis, Tehran, 1999
5. Amini, Ismail: Selection of Comic Poetry, First Edition, Hamrah Book Institute, Tehran Spring 2003, Introduction
6. Behzadi Andohjerdi, Hossein: Iranian Comedians, First Edition, Dastan Publications, Tehran, 2004
7. Tahaminejad, Mohammad: Book of Iranian Cinema - Tehran 2014
8. Halabi, Ali Asghar: History of Humor and Humor in Iran and the Islamic World, First Edition, Behbahani Publications, Tehran, 2006
9. Hamid Sharif, Vadad: Humor and its vacancy in cinema, Tose'e newspaper, Tehran, 1998
10. Heidarzadeh, Ali: A Look at Two Decades of Presence in Iranian Cinema, Tehran, 2004
11. Heidari, Gholam: The Tragedy of Iranian Comedy Cinema, Tehran: National Film House of Iran, 1991
12. Zarvi Nasrabad, Abolfazl: A Brief Reflection on Comedy and Methods of

البته فاکتور سانسور را هم نمی‌توان کم اهمیت دانست. در بسیاری موارد هم از فیلم‌های کمدی به مسخره کردن تعبیر می‌شود (۲۳). سینمای کمدی نیاز به تفکر، تامل و اندیشه دارد و از آنجا که ما در سینمای ایران کمدین‌های زیادی نداریم، بالارفتن تعداد فیلم‌های کمدی در یک سال موجب بازی هم‌زمان بازیگر در دو یا سه فیلم می‌شود که حاصل کار ضعیف و بی کیفیت می‌شود.

ورود کمدی به سینمای ایران را می‌توان به قبل از انقلاب نسبت داد که فیلمسازان چاشنی خنده را به آثار خود اضافه کردند؛ اما به دلیل عدم ورود جدی به مقوله کمیک حاصل کار عصاره قابل دفاعی نشد. عوام و اهالی هنر خشت جدی این ژانر را داریوش مهرجویی می‌دانند که در اواسط دهه شصت با ساخت «اجاره‌نشین‌ها» مکتبی از جامعه آن زمان ارائه داد و در فضایی جدی اما در قالب کمدی به نقد جامعه آن‌زمان پرداخت و مخاطب فراوانی را به سینما کشاند.

به دلیل جنگ و شرایط حاکم بر کشور در آن زمان زیاد نمی‌توان اثری از فیلم‌های خنده‌دار پیدا کرد. «کفش‌های میرزا نوروز»، «روز باشکوه» و ناصرالدین شاه آکتور سینما، دیگر کمدی‌های آن دوران هستند و «لیلی با من است»، «مرد عوضی»، «مومیایی ۳» معدود فیلم‌های دهه هفتاد هستند که تماشاچی را به سینما برگرداندند و رکورد فروش را بالا برد، البته رکورد اصلی فیلم‌ها در آن دهه دست فیلم کلاه قرمزی و پسر خاله بود که در سال ۱۳۷۳ اکران شد.

دهه هشتاد استارت فیلم کمدی با ساخت فیلم پرسروصدا و انتقادی کمال تبریزی زده شد، «مارمولک» تا معضلات اکران دست از رسالت اصلی ژانر، که نقد جامعه است دست نکشید و رکورد زمان خود را شکاند.

چه مخالف‌ها و چه موافق‌ها همه در صف طولانی سینما می‌ایستادند تا فیلم را ببینند.

در نیمه دوم دهه هشتاد به طور کل تغییر می‌کند. در این سال‌ها تعریف جدیدی به نام لودگی و هجو از کمدی ارائه شد. این دوران را می‌توان انفجار ساخت فیلم‌های طنز یا به تعبیر صحیح‌تر هجو بدانیم مثال فیلم‌های نامبرده هیچ تغییری در جدول رکورد فروش نداشتند و حتی چندتا از این فیلم‌ها در سینمای خانگی هم مخاطبی نداشتند.

فیلم: اخلاق خوب کن، یه جیب پر پول، ازدواج در وقت اضافه، برادران افتخاری، ۳ درجه تب، همسر محبوب من، داماد خجالتی، پسر از من دختر از تو، فرش قرمز، انتحاری، مرخصی اجباری، ورود زنده‌ها ممنوع، دردسر بزرگ، دل‌تک ماهی، آژانس ازدواج، خنده در باران، ۱۲ یار، ساعت عاشقی، چگونه میلیارد شدم، عروس تهرانی، شیشه پاک کن (۲۴).

فیلم‌هایی که با هر ترفندی قصد آوردن خنده بر لب مخاطب را داشتند و هر قدر از نظر کمیت از رتبه بالایی برخوردار بودند اما، از لحاظ کیفیت جایگاهی در درون سینمای کمدی ندارند.

با نگاهی به جداول فروش فیلم‌ها در یک دهه‌ی اخیر، می‌توان دریافت که آثار سرگرم‌کننده مورد استقبال قرار گرفته است و دلیل این امر جایگاه سینما به عنوان وسیله‌ای برای سرگرمی در میان عموم مردم است. می‌توان دریافت که استقبال از آثار سرگرم‌کننده در

Creating a Comic Space, Journal of Cinema Criticism, No. 17, Tehran, 1999

13. Shahbazi, Ramtin: Pathology of Iranian Comedy Cinema, Quarterly Journal of Cinema and Literature, No. 36, 2016

14. Sadr, Roya: Twenty years with humor, first edition, Hermes Publishing, Tehran

15. Sahraroudi, Baqer: Laughter, Humor and Comedy in Iranian Cinema, Cinema Magazine, Nos. 251 and 252, Tehran, 1996

16. Salahi, Imran: The article on laughter and its derivatives, Gol Agha Yearbook, 1997

17. Mehrabi, Massoud: History of Iranian Cinema - from the beginning to 1978, 1992

18. Kayhan newspaper, number 19779, 1389

19. Journal of Epic Writers, Foundation for the Preservation of Relics and Values of Sacred Defense, June 1986, p. 38

20. Cultural Monthly of Hamshahri Newspaper, No. 13 and 14, for April and May, 1986

21. Cultural Monthly, Analytical Chapter, No. 35, Special October, November and December 86, p. 41

22. Magazine of Cinema Criticism, No. 16, special for November 1986

23. Magazine of Cinema Criticism, No. 16, special for November 1986

24. October News 2102735 -, 2013